

در دفاع از قطعنامه " فوروم دموکراتیک " مصوبه کنگره هفتم و نقدی بر قطعنامه پیشنهادی رفیق شهاب برهان

رفیق شهاب برهان قطعنامه ای در رابطه با "خط مشی ائتلافات دموکراتیک" برای تصویب به کنگره هشتم ارائه داده است. این قطعنامه ضمن کلی گویی های بی حاصل و متناقض، عقبگرد از دست آوردهای تاکنونی در حوزه سیاست ائتلافی راه کارگر است. راه کارگر با همین کلی گویی های مبهم و ناروشن در حوزه ائتلاف ها و همکاری ها، فاقد تاکتیک های مناسب و روزآمد بوده است و نتوانسته است سیاست های خود را آنگونه که ضروری بود، عملی کند. اگر هم بعضاً درباره ائتلاف ها و همکاری ها سیاست روشن و شفاف داشته است، تفسیرهای گوناگون ایدئولوژیک مانع از عملی شدن آن ها بوده است. از هفت بند (ماده) قطعنامه پیشنهادی رفیق شهاب درباره خط مشی ائتلافی، ۲ ماده آن ربط آنچنانی به موضوع قطعنامه ندارد.

قطعنامه ای که قرار است "خط مشی ائتلافات دموکراتیک" را "روشن" کند و "رفع سوء برداشت" نماید، سه بند از هفت بند آن به معنادر کردن کمونیسم _ البته به تأکید رفیق شهاب، یکی از معناهای آن _ یعنی سرنگونی دولت بورژوازی و ایجاد دولت کارگری (و معنی کردن دولت کارگری) ؛ و شرکت نکردن در معماری یک دولت بورژوازی (حتی به عنوان یک تاکتیک _ تأکید از شهاب) و مقابله و مبارزه با " شکل گیری یک دولت بورژوازی دموکراتیک و قابل تحمل تر به جای جمهوری اسلامی" خلاصه شده است.

ماده های پنج و شش بخشاً بدیهیات بسیار عمومی است که همان نیز تکرار مکررات است: " همکاری ها و ائتلاف های دموکراتیک ما با دیگران از لحاظ موضوع، شکل و سطح می توانند بسیار متنوع باشند؛ از تک موضوعی، تا چند موضوعی، بی پلاتفرم تا با پلاتفرم تا همگامی در یک راهپیمایی، با یک شعار عمومی مشترک "

اینهمه تأکید درباره کمونیسم و سرنگونی دولت بورژوازی و ایجاد دولت کارگری در یک قطعنامه چند ماده ای که قاعدتاً باید سیاست ما را در همکاری ها و ائتلاف های دموکراتیک روشن و هموارسازد، نابجا و غیرلازم و انحرافی است، زیرا اصل موضوع که عبارت است از " خط مشی ائتلافی و همکاری های دموکراتیک"، به حاشیه رانده شده و محو میگردد.

من مطلقاً قصد ندارم در اینجا وارد پلمیک در رابطه با ماده های یک، دو و سه قطعنامه پیشنهادی رفیق شهاب شوم. تنها می خواهم به نکاتی بطور گذرا اشاره کنم. ماده دو از قطعنامه پیشنهادی رفیق شهاب عیناً چنین است: "ما از همین امروز برای دولت کارگری و گذار به سوسیالیسم مبارزه می کنیم. معنای این حرف آن نیست که شرایط موجود و موازنه نیروها را از هم اکنون برای آن که بعد از جمهوری اسلامی آترناتیو کارگری قدرت سیاسی را بگیرد، مساعد آریابی می کنیم؛ بلکه به این معناست که ما از همین امروز تلاش برای تغییر این شرایط و توازن قوا در جهت مساعد شدن آن برای دولت کارگری را خط راهنمای تاکتیک های خود قرار می دهیم و تحت این عنوان که در مقطع حاضر شانس بورژوازی بیشتر است، نتیجه نمی گیریم که فعلاً نوبت کارگران نرسیده است و باید برای شکل گیری یک دولت بورژوازی دموکراتیک و قابل تحمل تر به جای جمهوری اسلامی کمک کرد."

این "خط راهنمای تاکتیک های" قطعنامه پیشنهادی رفیق شهاب مگر می تواند غیراز کمک نکردن به سرنگونی جمهوری اسلامی معنای دیگری داشته باشد؟ رفیق شهاب به صراحت می گوید چون شرایط و توازن قوا به نفع آترناتیو کارگری که قدرت سیاسی را بگیرد نیست و در مقطع حاضر شانس بورژوازی برای جایگزینی رژیم بیشتر است، لذا نمی خواهد به شکل گیری یک دولت بورژوازی دموکراتیک و قابل تحمل تر به جای جمهوری اسلامی کمک کند! یعنی قطعنامه پیشنهادی رفیق شهاب برای تصویب به کنگره هشتم، همین وضعیت فعلی را به یک دولت بورژوازی دموکراتیک ارجح می داند. یا به بیان دیگر چون نمی شود "دولت کارگری" ایجاد کرد، پس نباید گذاشت یک دولت بورژوازی دموکراتیک نیز شکل بگیرد.

اینکه مردم در جهنمی که رژیم جمهوری اسلامی ساخته چگونه "زندگی" می کنند و چه می کشند و برای کوچکترین تغییراتی در این جهنمکده چه هزینه های سنگینی می پردازند، برای قطعنامه نویس ما مسأله چندان مهمی نیست. مسأله مهم و اصولی برای رفیق شهاب خدشه دارنشدن آن "اصول مقدس" مبارزه برای دولت کارگری و گذار به سوسیالیسم و "کمونیست بودن" است.

براندازی جمهوری اسلامی و تأسیس دموکراسی و شکل دادن به یک نظام دموکراتیک متناسب با خواست ها و نیازهای مردم را نباید فدای "اصول مقدس" کرد. این قطعنامه پیشنهادی می خواهد راه کارگر را به یک فرقه ایدئولوژیک تبدیل کند. قطعنامه رفیق برهان گرچه به شکل گیری یک "دولت بورژوازی دموکراتیک و قابل تحمل تر" به جای جمهوری اسلامی کمک نمی کند، ولی تاکتیک شرکت در یک حکومت بورژوازی و ائتلاف با آن را اصولاً رد نمی کند؛ زیرا هر حکومت بورژوازی دیگر فرق هایی با جمهوری اسلامی خواهد داشت.

رفیق برهان "فرقه‌ها"ی یک حکومت بورژوازی با جمهوری اسلامی را آنچنان کوچک می کند که واقعاً رغبتی برای براندازی رژیم جمهوری اسلامی باقی نمی ماند! در قطعنامه رفیق برهان آمده است: " با جریاناتی که از جمهوری اسلامی قطع امید کرده اند و یا با جناحی از حاکمیت همسویی و ائتلاف دارند و همچنین جریاناتی که راه ائتلاف با سلطنت طلبان را باز می گذارند؛ و..... هیچ نوع ائتلافی نمی کنیم." این فکر می تواند تمامی مبارزات آزادیخواهانه، ضد استبدادی و عدالت طلبانه داخل کشور را زیرسئوال ببرد و راه هرگونه همکاری و همگامی و ائتلاف با آنها را ببندد. در خارج کشور نیز راه همکاری و ائتلاف با بسیاری از جریانات اپوزیسیون از جمله جریاناتی نظیر "اتحاد جمهوریخواهان" (که مرکب از چند سازمان سیاسی و افراد و شخصیت های سیاسی - فرهنگی است) و سازمان های ملی منطقه ای و فعالان آنها را به بهانه همسویی با جناحی از حاکمیت و یا به بهانه بازکردن راه ائتلاف با سلطنت طلبان، می بندد. قطعنامه رفیق شهاب اینچنین ائتلافات دموکراتیک را "رادیکالیزه" می کند! اگر این دیدگاه های قطعنامه پیشنهادی رفیق شهاب مبنای عمل قرارگیرد، راه کارگر به شدت منزوی و به یک جریان حاشیه ای و غیرجدی در میدان سیاست ایران تبدیل خواهد شد.

اما شأن نزول این قطعنامه از کجاست و چرا الان همچو قطعنامه ای ارائه می شود. رفیق برهان در مقدمه قطعنامه پیشنهادی خود غیرمستقیم به شأن نزول قطعنامه اشاره می کند. رفیق برهان می نویسد که بعد از تصویب "برای ایجاد فوروم گفت و گوی دموکراتیک" در کنگره هفتم سوء برداشت هایی از سیاست ائتلاف دموکراتیک به وجود آمده و رفیق می خواهد با این قطعنامه پیشنهادی سوء برداشت ها را برطرف کند.

اما دقت در بندبند قطعنامه پیشنهادی رفیق برهان نشان می دهد که قصد رفیق نه برطرف کردن سوء برداشت ها بلکه رد کلیت قطعنامه "فوروم دموکراتیک" مصوب کنگره هفتم است. اکنون مسأله ائتلافها ی دموکراتیک به مسأله حاد سیاسی آزادیخواهان و برابری طلبان و مخالفان جمهوری اسلامی تبدیل شده و امکان عملی شدن ائتلافهای دموکراتیک گسترده حول مضامین قطعنامه فوروم دموکراتیک مهیا میگردد؛ و نگرش ایدئولوژیک به موضوع ائتلاف ها و همکاری های دموکراتیک در حال ذوب شدن است. در واکنش به این وضعیت جدید است که رفیق برهان قطعنامه خود را ، که در تقابل با قطعنامه فوروم دموکراتیک مصوب کنگره هفتم است، پیش کشیده است.

قطعنامه فوروم دموکراتیک به طور صریح و روشن با دیدگاه های فرقه گرایانه و ایدئولوژیک در رابطه با ائتلاف های دموکراتیک فاصله گرفته و راه را برای همکاری و ائتلاف های گسترده سیاسی در جهت منافع عمومی جنبش ضد استبدادی و آزادیخواهی و برابری طلبی باز کرده است.

"...ما معتقدیم همه جریان ها ، مجامع ، محافل و فعالان سیاسی متشکل و غیرمتشکل طرفدار دموکراسی، ضمن توجه و احترام به تفاوت ها و اختلافات سیاسی و نظری شان، و با تأکید بر جمهوریت و ضرورت دفاع از آزادی بیان و سازمان و تبلیغات همه و مطلقاً همه جریان های سیاسی و فکری و فرهنگی برای ایجاد یک فوروم گفت و گوی دموکراتیک، به تلاش گسترده برخیزند، تا اولاً جنبش های اجتماعی گوناگون مردم ایران را در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی و شکل دهی به نظام دموکراتیک جایگزین به هم پیوند بدهند؛ ثانیاً گفت و گوی گسترده میان جریان های سیاسی و فکری مختلف را در راستای ارتقاء آگاهی سیاسی و اجتماعی توده های مردم، در سطوح مختلف، از کوچکترین محافل و تجمع های محلی گرفته تا سطوح سراسری، سازمان بدهند؛ ثالثاً شرایط مساعدی برای ارتباط میان جنبش های اجتماعی و جریان های سیاسی فراهم بیاورند؛ رابعاً هشجاری و توان سیاسی طرفداران

دموکراسی را در مقابل همه طرح ها و تمهیدات جریان های گوناگون ضددموکراتیک در مقیاس به راستی توده ای تقویت کنند." (ماده پنج از قطعنامه فوروم دموکراتیک)

قطعنامه " برای ایجاد فوروم گفت وگویی دموکراتیک" مصوب کنگره هفتم و عملی شدن آن، همانطور که در خود قطعنامه فوروم دموکراتیک آمده است، راه را برای براندازی جمهوری اسلامی و شکل دادن به یک نظام دموکراتیک متناسب با خواست ها و نیازهای بخش های مختلف مردم بازمی کند.

دفاع از قطعنامه فوروم دموکراتیک، فاصله گیری از سکتاریسم و فرقه گرایی و لبیک گفتن به مبارزات آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردم ایران است.

محمد آزادگر ۲۸ ژوئن ۲۰۰۳